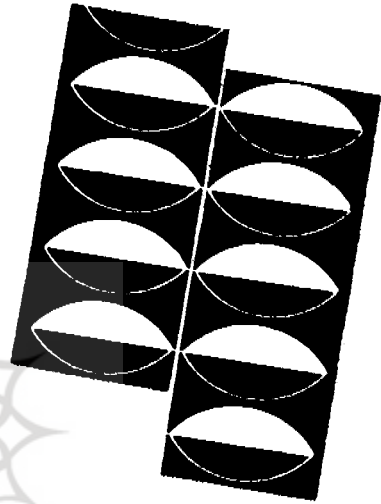


# روانشناس پایخ میدهد



بهمانگونه که درازی قد هم دلیلی برای شرافتی نخواهد بود. آنچه مهم است عقل و خردمتهد و هدفدار است، بکوشید آن را درست کنید.

۲- آنها که شما را مسخره میکنند جاهلند - به جاهلان نباید گوش فرا داد.

۳- عزیزم، لازم نیست در این مورد به پزشک مراجعه کنید. راه حلی به شما ارائه نخواهد داد بهتر است بجای احساس حقارت موجبات رشد فکری و علمی خود را فراهم آوری که آنچه باقی میماند حاصل فکر است نه طول قد. شما امروزه بوعلی سینا، ادیسون، و... را می شناسید که افرادی مهم بودند. طول قد هیچکدام از آنها را نمی دانید. بکوش عاقلتر از این باشی که برای تمسخر مردم خود را بازی.

خواهر گرامی س...

از حسن نظر شما تشکر میشود. توجه شما را به نکات ذیل جلب میکنم:

۱- همینکه در باره خود هشیار و بیدارید و موانع رشد را می شناسید و در پی رفع آن هستید بفضل الهی است و نشان میدهد که مورد رحمت او هستید. از این امر شاکر باشید.

۲- خود را نگران و تنها احساس نکنید. اگر هیچکس در این جهان نداشته باشید خدا را دارید و کسیکه خدا دارد بیکس و تنها نیست. به او توکل کنید و خود را به او بسپارید.

۳- شما خود بزرگ و مکلفید. کاستی های خانواده نباید بر شما اثری منفی برجای بگذارد.

۴- اینکه آینده چه خواهد شد با خداست. ما زندگی را وظیفه میدانیم و در انجام وظیفه اگر موفقیت و سروری پدید آید مست نمی شویم و اگر نومیدی و شکستی حاصل شود خود را نمی بازیم.

آقای م - پ

بنظر ما شما و دوستان تان اشتباه می کنید. کم هوش نیستید، بیجهت نگران نباشید. در سایه کاروتلاش هرکس می تواند به درجه ای بیش از آنچه که مورد انتظار اوست برسد. هم چنان در سنگر مدرسه به کار و کوشش بپردازید و از خداوند نیز کمک بخواهید.

آقای غلامعلی - میرشکاری

سلام علیکم

بحمداله که فردی تحصیل کرده، جوان و عاقلی.

۱- کوتاهی قد که دلیل بر عیب و نقصی نیست

نیست ؟ میزان فشار وارده از سوی معلم بر او معقول است؟ . . . .

اگر از نظر موارد فوق مسأله‌ای نداشتید و در رابطه با رفتار خود مطمئن بودید که عقلانی است محتمل است فرزند شما بیمار باشد . نشان دادن او به یک پزشک متخصص کودکان و یا متخصص اعصاب و روان مفید خواهد بود .

قم برادر . . . . .

از موس هرگز فاسق و کافر بدنی نمی آید و یا از کافر موس زاده نمی‌شود . بر اساس بینش اسلامی ماهر کودکی در هر خانواده و محیطی که بدنی آید دارای فطرت پاک و خدا آشناست ، همه با فطرت توحید به دنیا می‌آیند . این محیط تربیت و معاشرت است که بعدها کودک را به رنگ خود در می‌آورد . والدین کمونیست فرزند خود را منکر خدا می‌پروراندند و والدین مسلمان فرزندان خود را مسلمان . علاوه بر آیات قرآن که در این رابطه گویا هستند حدیث معروفی از پیامبر ماست که همه آن را شنیده‌اند : **كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَي الفِطْرَةِ وَلَکِن اَبَواهُ يَهُودَانِهٖ وَيَنْصِرَانِهٖ وَيَمَجْسَانِهٖ** .

برادر محمدی - یزد

اینکه برخی از کودکان والدین خوبی دارند ولی فاسد بار می‌آیند و برعکس، بدان خاطر است که والدین کودک تنها یکی از عوامل تربیت او بحساب می‌آیند ، بغیر از آنان طفل تحت تأثیر برادران ، خواهران ، خویشان بستگان ، دوستان و معاشران ، معلمان

۵ - برای عمل به دانسته‌های خود اراده و خواست ، و از آن مهمتر ایمنی و باور لازم است و این از راه سداومت و تلقین و الفاء ، تعهد و نذر امکان پذیر است .

آقای م . د . تهران

شنازدکی در امر تحصیل ، اصرار باینکه کودک هرچه زودتر به مدرسه برود نه تنها به نفع کودک و آینده او نیست بلکه زیانها و عوارض بسیاری را در بر دارد . برخی ازیدران و مادران حتی تغییراتی در شناسنامه پدید می‌آورند که او یکسال زودتر به مدرسه برود و در نتیجه یکسال زودتر فارغ التحصیل شود !

این اقدام اولاً " ظلم به حق کودک است زیرا شما زودتر از زمان معهود او را از بازی و تفریح باز داشته‌اید ، او شرعاً " حق داشت ۷ سال بازی کند. ثانیاً " فکر و ذهن نارس و رشد نیافته او را خسته کرده‌اید بگونه‌ای که طی مراحل بعدی تحصیل برای او دشوار است و ثالثاً " بر اساس تجارب اینگونه کودکان بعدها درجا می‌زنند و مالیات وقت گذاری های پیش‌رس را بطور مضاعف دریافت می‌کنند .

خانم - ز - ح - تبریز

در مورد لجبازی کودکان قبلاً " هم مطالبی را عرضه داشته ایم . در برخی از سنین مثل سن ۲ س ۵ لجبازی جزئی از مراحل رشد کودک است و باید با مدارا این مرحله طی شود . در مورد فرزند ۷ ساله، شما نخست باید ریشه هارا بیابید - آیا در او این امر سابقه داشته است ؟ از معلم و مدرسه اش راضی است ؟ در مدرسه مورد تحقیر و سرزنش بچه‌ها بخاطر فقر و یا لباس

ضروری است به یکی از متخصصان اعصاب و روان مراجعه کنید .

ا.ک - بندر لنگه

در مورد برادران که در مدرسه استثنائی است معروض میدارم در شرایط موجود از نظر علمی اقدامی برای نجات شان نمی‌توان داشت نه در آنجا و نه در تهران . باید شرایط و امکانات لازم را برای بهتر کردن زندگی او در همان منطقه تهیه ببینید . کارهای دستی ساده و آسان به او واگذار کرده و تحت نظرش داشته باشید .

معلم محترم . . . . .

آری - این حق دانش آموز است که به نمره خود اعتراض داشته باشد . زیرا شما با دادن نمره‌ای درجه و رتبه او رامعین کرده و او را در موقعیت ویژه‌ای قرار داده‌اید . او حـق دارد نسبت به وضع خود معترض باشد .

اما معلم ، وظیفه دارد با زبان خود با دلایل قانع کننده به او تفهیم کند که حقش همان نمره‌ای است که گرفته است چه اشکالی دارد معلم ورقه شاگرد را به او نشان دهد ؟ و یا تفهیمش کند که در فلان درس شفاهی به فلان سؤال غلط پاسخ داده است . البته معلم بشرطی در این کار موفق خواهد بود که در تصحیح ورقه و برکناری از حب و بغض و تصفیه حسابهای جریان سال موفق باشد .

خواهر س . د . هرمزگان

این شیوه غلطی در تربیت است که در کلاس فقط شاگردان تیز هوش همیشه مورد تشویق قرار گیرند و شاگردان ضعیف بهره‌ای نداشته

الگوهای اجتماعی ، رهبران اجرائی و معنوی عوامل و شرایط غذائی ، روانی و . . . می باشد طبیعی است هر مقدار جاذبه یک عامل نسبت به عوامل دیگر قویتر باشد طفل بیشتر تحت تاثیر آن قرار می گیرد .

خواهر ج - اراک

در مورد لجبازی فرزندان زیاد نگران نباشید برخی از بچه‌ها در سنین نوجوانی دچار چنین وضع و حالتی میشوند و سراز لجبازی و بیکاری در می‌آورند . همان روشی را که شما در پیش گرفته‌اید درست است ، او را کتک نزنید بازبان نرم و ملایم و از روی خیرخواهی با او برخورد کنید . مطمئنا " رو به راه خواهد شد .

خانم ز - الف - ورامین

نامه‌های شما و مخصوصا " نامه طولانی ۱۲ صفحه‌ای شما را با دقت مطالعه کردم :

۱ - از شما که دختری تحصیل کرده و دانشجو هستید توقع نداریم که اینگونه فکر کنید . مگر ارزش انسان به چهره زیبای اوست ؟ مگر سالک بر چهره داشتن از قدر و بهای آدمی می‌کاهد ؟ آنچه مهم است پاکی ، تقوا ، ایمان و شرافت است . آدمی باید در صدد تکمیل آنها باشد .

۲ - گمان می‌رود ناراحتی های مادر در شما اثر گذارده و به بیماری افسردگی و یا اختلالی مشابه گرفتار تان کرده است . شما جوانید و میتوانید سرپای خود بایستید و خود را درمان کنید و این درمان برای آینده زندگی و شغل تان و خانواده‌ای که تشکیل میدهید ضروری است .

۳ - شما اگر بخواهید میتوانید خود پزشک خود باشید . در عین حال برای تسریع در سلامت

برخوردهای تند و زنده والدین با یکدیگر  
آنهم درحضور کودک اثرات نامیمونی برکودگان  
وارد می سازد، این اثرات در کودکان خردسال  
بیک گونه است و درنوجوانان و بالغان به صورت  
دیگر.

کودکان خردسال از تماشای صحنه های  
درگیری، بگوگو و خدای نخواستگنک کاری  
آنها امنیت خود را درخطر می بینند - گروه  
بسیاری از این گونه فرزندان دچار غم و  
اندوهی جانگاہ می شوند، در کلاس درس  
آمادگی فراگیری ندارند، توجه شان به معلم و  
برنامه اندک است، گاهی درگیچی و بهت  
سر می برند، خواب شان پریشان است  
اشتهای شان اندک است.

درستین بعدی ممکن است کار به دخالت و  
موضعگیری علیه یکی از آنها بکشد، وکودکان  
از عصبان و طغیان سردرآورند و یا مسأله  
فرار از خانه برای شان مطرح گردد. وحشی  
ترک درس وبحث ومدرسه پیش آید.

آقای س . د . تبریز

درامر پرخاشگری کودکان علت واحدی را  
نمی توان ذکر کرد و اقدام معینی که بصورت  
کلی قابل طرح باشد نمی توان تجویز نمود.  
علت شناسی مقدم بر هرگونه تصمیم گیری و  
اقدام برای ترک یک رفتاراست.

پرخاشگری ممکن است بعلت بد آموزی از  
رفتار والدین در خانواده، کمبود محبت  
احساس کهنتری وحفارت، احساس تبعیض و  
مورد اهانت قرار گرفتن، در معرض ظلم و

باشند. اشتباه برخی از معلمان در این است  
که شاگردان را با نمره کلاس مورد مقایسه  
سنجش قرار می دهند نه با پیشرفت هفتگی  
نسبت به خودشان.

بنظر ما اگر شاگردی دیروز در دیکته نمره  
۲/۵ و امروز ۳ گرفته باشد در خور تشویق  
وجایزه است بهمان میزان که شاگرد زرنگی  
دیروز ۱۸ و امروز ۱۹ گرفته است. چه زشت  
است روشی که درآن فقط پیشرفته ها مورد  
تقدیر قرار گیرند و چه زشت تر که برخی از  
شاگردان فقط بخاطر نمره بدشان از کلاس  
اخراج گردند.

آقای م . د . تهران

آری، معلم هم اشتباه می کند واین امری  
عمومی است، زن و مرد و پیر و جوان ندارد.  
بمیزان فاصله ای که هرانسان باحضرات معصومین  
دارد اشتباه کاراست. شاگردان هم درمواردی  
بسیار از اشتباه معلم سردرمی آورند اگر چه  
اصرار به مخفی کردن آن داشته باشد.

بنظرما هیچ ایرادی ندارد که معلمی درصورت  
ارتکاب خطا بصراحت درسرکلاس بگوید بچه ها:  
من اشتباه کردم، فلان مطلب را به غلط بیان  
کردم، صحیح آن چنین وچنان است.  
این امر از ابهت معلم نمی گاهد، بلکه بر  
عکس بدر عظمت و محبت او را دردل شاگرد  
می کارد. کودک درمی یابد که با معلم عادل وبا  
تقوایی روبروست و از آن پس بیشتر به حرفش  
گوش فرا می دهد.

آقای محمود - تهران





## آقای مهرداد . . .

بنظر ما در امر تشویق فرزندان بسسه درس خواندن اشتباهی رخ داده است . اینکه بسه کودکان خود بگوئیم درس بخوان تا در آینده بولداری شوی ، غذای تو بهتر شود ، لباس بهتر بیوشی ، به ثروت و مال برسی و . . . . . روشی خطاست . در چنان صورت همان اشکال فرزندان برجاست که می گوید من درس خواندم ، دیپلم ولیسانس گرفتیم و به پول و مال ترسیدیم .

به فرزندان خود باید گفت به مدرسه برو درس بخوان تا انسان شوی ، یا ادب و با فرهنگ شوی ، به مدرسه برو تا شیوه انسانیت بیاموزی بتوانی راه و رسم پاکی و تقوا و تقرب به بارگاه الهی را بیاموزی ، بتوانی بنده خدا باشی بدانی چگونه باید به جلد رضای او توفیق یافت .

برادر عزیز آقای پرویز عزیزان

با اهداء سلام : باید توجه داشته باشیم که دزدی بخصوص در کودکان همیشه به علت نیاز نیست بلکه ممکن است عوامل متعددی از قبیل انتقام گیری ، خود نمائی ، احراز تسلط ، عدم شناخت مالکیت ، ناسازگاری و غیره موجب آن باشد .

برای جلوگیری از این عمل کودکانی که اشیاء دیگری را بدون جهت بر میدارند بایستی اولاً آنان را با مالکیت و حرمت تصرف در مال دیگران از لحاظ اعتقادی و اجتماعی آشنا کرد .

ثانیاً ، روشهای مختلف کسب مال را از

تجاوز بودن ، میل به انتقام ، داشتن بیماری سادیسیم و . . . باشد . درمان آن به تناسب نوع علت ها عبارتند از : مهرورزی ، داشتن رفتاری عادلانه با کودک ، پذیرش و احترام درمان پزشکی و دارویی و در مواردی هم قصاص و یا مقابله به مثل باشد . و در همه حال مراقبیم که افراد را از برخورد با او پرهیز دهیم تا صدمه و خطری نیافریند .

خانم ص . ر . با خسترا

اینکه معلمان و ناظمین محترم مدارس باید با کودکان برخوردی انسانی و تواءم با ادب و اخلاق داشته باشند جای بحث و سخنی نیست و میدانید اکثریت قریب به اتفاق معلمان و مربیان این چنین اند .

در عین حال ما هم مندرک می شویم که معلمان و مربیان باید الکوی ادب و اخلاق و اسوه عفت و تقوا باشند زیرا کودکان از او درس انسانیت و پاکی می آموزند . حفظ برخورد و مدیریت برخورد و زبان خویش را از او فرا می گیرند . اگر خدای نخواسته معلم بددهن و ناسزا گو باشد ، اگر معلم ظالم و اهل تبعیض باشد از شاگردان و فارغ التحصیلان او چه توقعی می توان داشت ؟ و نیز زرمه محبت معلم است که طفل کریز پای را به مدرسه و بر سر سفره علم و فرهنگ سی - کشاند ، در غیر این صورت شاگردان از او دور و متنفر می شوند . فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا لَغَلَبْتَ الْقُلُوبَ ، لَافْتُوا مِن حَوْلِكَ .

لذا این دیدگاه دیگر اسرور مورد قبـول نیست که هرکس به چنین مراکزى مراجعهـى - نماید دیوانه و زنجیرى است . بنابراین به شما توصیه مى شود که برای رفع مشکلاتان بدون نگرانى و ترس به یک روانپزشک مراجعه نمایید .

۲ - مخارج درمان برای هر بیمارى دقیقاً قابل پیش بینی نیست بخصوص در بیماریهـای روانى وحل مشکلات عاطفى مثل ترس، و سواس و غیره میزان هزینه و طول درمان بستگى به نوع بیمارى و تمایل ، تلاش و امکانات بیمار دارد .

۳ - درمورد سر کجهاى که در اثر حرکات مختصر عارضتان مى شود حتماً " باید به پزشک متخصص اعصاب داخلـى مراجعه نمایید .

۴ - در زمینه مطالعه وآشنائى باروش صحیح مطالعه به یکى از دبیرانى که در روانشناسى یادگیرى تسلط دارد مراجعه نمایید .



طریق کارهاى شرافتمندانه به آنان بیا موزیم .  
ثالثاً، کودک را باىستى به قیح عمل دزدى آشنا نمائیم .

رابعاً، همانطور که خودتان هم متذکر شدهاید باید در رفع ناسازگارى او گام بردارید که به احتمال قوی پس از آن این عادت زشت را برک خواهد کرد .  
برادرج . ر . س

۱ - مراکز روان درمانى اعم از بیمارستانها و یا کلینیک ها مخصوص دیوانگان و افراد زنجیرى نیست بلکه این مراکز جهت رفع نقائص یا بیماریهـای عصبى و یا شخصیتى که در بیمارى از مردم به علل مختلف از قبیل سوءتغذیه نارسائى هاى متابولىسمى (سوخت وسازبدن ) عدم ترشح بعضى از غدد و هزاران مساءله بیولوژیکى دیگر که منشاء بیماریهـای روانىتى سی گردد بوجود آمده است . علاوه برآن شرایط نامساعد اجتماعى و تربیت غلط در بعضى از افراد مشکلات روانى و عاطفى مثل ترس وغیره بوجودمى آورد که باىستى در مراکز درمانى وسیله متخصصین اعصاب ، روانپزشکان و روانکاوان و مددکاران اجتماعى معالجه شود .

رفتار خود را با دیگران چه کوچک باشد و چه بزرگ  
از روی پسندیدگى واحترام قرار ده .